

Investigation of the Economic Aspect of the Nafy-E-Sabil Rule

Elham Tohidinejad ¹, Majid.Vaziri^{*2}, Jamshid Masoumi ³

1. Elham Tohidinejad, PhD student in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2.Dr. Majid Vaziri, Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3.Dr. Jamshid Masoumi, Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 51-68

Article history:

Received: 2 Jun 2022

Edition: 7 Aug 2022

Accepted: 24 Sep 2022

Published online: 1 Jul 2023

Keywords:

Nafy-E-Sabil Rule, Economy, Dominance, Dependence, Balance

Corresponding Author:

Majid Vaziri

Address:

Iran, Tehran, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law.

Orchid Code:

0000-0002-8688-4702

Tel:

09127260389

Email:

dr.majid.vaziri@gmail.com

ABSTRACT

Background & Objective: The economic aspect of the Nafy-E-Sabil Rule (denying the domination of unbelievers over believers), as one of the important jurisprudential rules that has a decisive role in regulating relations with the outside world, has not been investigated much, and in this paper, an attempt is made to address this important issue.

Materials & Methods: This paper is descriptive and analytical and library method is used to collect data.

Ethical Considerations: In this paper, the originality of the texts, honesty, and trustworthiness are observed.

Findings: The economic aspect of the Nafy-E-Sabil Rule means the lack of economic dominance of foreigners. In order to implement the Nafy-E-Sabil Rule in the Islamic government, special attention should be paid to the economy and its development. One of the most important foundations and objectives of economy in the theocracy is the effort to achieve self-sufficiency and cut off economic dependence on other countries. The result of economic domination is domination in other fields such as the political and cultural fields, and a country that is politically and culturally dominated does not act independently in the field of policy making and law enforcement, and this lack of independence provides the ground for failure in all fields, and such an issue is inconsistent with Islamic teachings because the Holy Qur'an clearly and strongly denies any domination of the infidels over the Muslims.

Conclusion: In economic development, some kind of economic dependency may also be created, which is somewhat inevitable in today's economy. What is important is the lack of foreign economic dominance, and the only way to deal with this issue is to support domestic production and establish balanced economic and trade relations with the outside world.

Cite this article as:

Tohidinejad E, Vaziri M, Masoumi M. Investigation of the Economic Aspect of the Nafy-E-Sabil Rule. *Economic Jurisprudence Studies*. 2023.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۲

بررسی بعد اقتصادی قاعده نفی سبیل

الهام توحیدی نژاد^۱، مجید وزیری^{۲*}، جمشید معصومی^۳

۱. دانشجو دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: بعد اقتصادی قاعده نفی سبیل به عنوان یکی از قواعد مهم فقهی که نقش تعیین کننده در تنظیم روابط با دنیای خارج دارد چندان مورد بررسی قرار نگرفته و در این مقاله تلاش شده به این موضوع مهم پرداخته شود.

مواد و روش ها: مقاله حاضر توصیفی تحلیلی بوده و برای جمع آوری داده ها از روش کتابخانه ای استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت داری رعایت شده است.

یافته ها: بعد اقتصادی قاعده نفی سبیل، به معنی عدم سلطه اقتصادی بیگانگان است. برای عملی شدن قاعده نفی سبیل در حکومت اسلامی باید به اقتصاد و توسعه آن توجه ویژه نمود. یکی از مهم ترین مبانی و اهداف اقتصاد در حکومت دینی، تلاش در جهت حصول خودکفایی و قطع وابستگی اقتصادی به دیگر کشورهاست. نتیجه سلطه اقتصادی، سلطه در دیگر عرصه ها مثل عرصه سیاسی و فرهنگی است و کشوری که به لحاظ سیاسی و فرهنگی تحت سلطه باشد در عرصه سیاست گذاری و اجرای قوانین استقلال عمل نداشته و همین عدم استقلال، زمینه وادادگی در تمام زمینه ها را فراهم می کند؛ و چنین مسئله ای با آموزه های اسلامی، ناسازگار است؛ چرا که در قرآن کریم، با صراحت و با تأکید شدید، هرگونه تسلط کافران بر مسلمانان نفی شده است.

نتیجه گیری: در توسعه اقتصادی ممکن است نوعی وابستگی اقتصادی نیز ایجاد شود که در اقتصاد امروزه تا حدی گریزناپذیر است. آنچه مهم است عدم سلطه اقتصادی بیگانه است که تنها راه مقابله با آن حمایت از تولید داخلی و برقراری روابط اقتصادی و تجاری متوازن با دنیای خارج است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۵۱-۶۸

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۲

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۵/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰

واژگان کلیدی:

قاعده نفی سبیل، اقتصاد، سلطه، وابستگی، توازن

نویسنده مسئول:

مجید وزیری

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی.

تلفن:

۰۹۱۲۷۲۶۰۳۸۹

کد ارکید:

0000-0002-8688-4702

پست الکترونیک:

dr.majid.vaziri@gmail.com

۱. مقدمه

در این جهان گسترده که با شتاب به سوی دهکده بزرگ جهانی به پیش می‌رود و روابط انسان‌ها بسیار نزدیک شده، تنظیم قوانین حاکم بر روابط ملت‌ها و ملیت‌ها بس ضروری و دشوار است. مسلمانان نیز، از این قاعده جدا نبوده و باید به تنظیم قوانین دینی و شریعت خویش، در زمینه ارتباط با دیگر ملت‌ها و ملیت‌ها بپردازند. گرچه فقه، سرشار از احکام و فروع در این باره است، اما منسجم کردن و به نظام کشیدن و بازنگری، با توجه به شرایط کنونی ارتباطات امری جدید و ضروری است (مهریزی، ۱۳۷۵، ۲۹۰). یکی از اصول حاکم بر سیاست خارجی اسلام، «نفی سلطه» یا قاعده «نفی سبیل» است. این قاعده در ابواب مختلف فقه استفاده شده و در شئون مختلف جامعه اسلامی، مهم و تأثیرگذار است؛ زیرا بیانگر مشیت و خواست الهی در مقام ثبوت تشریع، به نفع عزت مؤمنان و مسلمانان، و علیه کفار و مشرکان است. این قاعده بر پایه عقل و عقلاء است. چنانکه عقل، یکی از مهم‌ترین ادله استدلال به این قاعده است. همچنین درباره‌ی این قاعده، در متون فقهی شیعه و سنی، تعبیر به اجماع محصل و قطعی از سوی برخی فقها و اصولیون شده است (علیدوست، ۱۳۸۳: ۲۴۳). بر اساس این قاعده، هرگونه سلطه یابی کافر بر مسلمان و سلطه‌پذیری مسلمان از کافر، ممنوع و باطل است. چون عزت اسلامی اقتضا دارد که مؤمن و مسلمان تحت ولایت و سیطره کافر نباشد. اما در عمل شاهد سلطه اقتصادی بر بسیاری از کشورهای اسلامی هستیم. یکی از ابعاد سلطه اقتصادی، سوق دادن کشورهای تحت سلطه به سمت اقتصاد تک محصولی است. در اقتصاد تک محصولی بنا به شرایط و جغرافیائی،

کشورها، ملزم به کشت محصولی می‌شوند که در تامین مواد اولیه کارخانجات دول صنعتی نقش مهمی داشته باشد. از عوارض نامطلوب این برنامه این است که زمین مزروعی حاصلخیز که باید در آن مواد غذایی و پروتئینی به عمل آید به کشت محصولات تجاری و بازرگانی اختصاص یافته به همین سبب این کشورها ناگزیر می‌شوند تا محصولات غذایی خود را از کشورهای دیگر وارد کنند. چنین شیوه تولید محصول که اقتصاد تک محصولی را به کشورهای مسلمان تحمیل می‌کند این خطر را دارد که با تحریم اقتصادی آن محصول، کشور تولید کننده تا سرحد فلج اقتصادی پیش می‌رود. چنین وضعیتی رجوع به منابع فقهی در خصوص نحوه تعامل با دنیای خارج در حوزه اقتصادی را به یک ضرورت مبدل ساخته است. لازم به ذکر است در خصوص قاعده نفی سبیل تاکنون تألیفات متعددی انجام شده است: حسن کامران و زهرا امیری فرد، در مقاله‌ای به بررسی قاعده نفی سبیل و تطبیقات آن پرداخته‌اند (کامران؛ امیری فرد، ۱۳۹۴) سید علیرضا حسینی و محمدرضا ناظری نیز، در مقاله‌ای از تأثیر قاعده فقهی نفی سبیل بر روابط بین‌المللی مسلمانان بحث کرده‌اند (حسینی؛ ناظری، ۱۳۹۵). محمود جلالی و شهرام صفائی، در مقاله‌ای، جایگاه «قاعده نفی سبیل» از منظر قانون اساسی و روابط بین‌الملل ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند (جلالی؛ صفائی، ۱۴۰۱) اما بعد اقتصادی قاعده نفی سبیل مورد غفلت واقع شده است. از طرفی بررسی بعد اقتصادی قاعده نفی سبیل از این جهت اهمیت بالایی دارد که اقتصاد نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان قدرت کشورها داشته و اقتصاد، یکی از مؤلفه‌های مهم قدرت در نظام سیاسی است. توجه به قدرت کشورها بدون

دینی، تلاش در جهت حصول خودکفایی و قطع وابستگی اقتصادی به دیگر کشورهاست. نتیجه سلطه اقتصادی، سلطه در دیگر عرصه‌ها مثل عرصه سیاسی و فرهنگی است و کشوری که به لحاظ سیاسی و فرهنگی تحت سلطه باشد در عرصه سیاست‌گذاری و اجرای قوانین استقلال عمل نداشته و همین عدم استقلال، زمینه وادادگی در تمام زمینه‌ها را فراهم می‌کند؛ و چنین مسئله‌ای با آموزه‌های اسلامی، ناسازگار است؛ چرا که در قرآن کریم، با صراحت و با تأکید شدید، هرگونه تسلط کافران بر مسلمانان نفی شده است.

۵. بحث

۵-۱. قاعده نفی سبیل

قاعده نفی سبیل قاعده‌ای فقهی است که بر اساس آن در دین حکمی نیست که باعث تسلط کافر بر مسلمان شود. این قاعده را از پرکاربردترین و مهم‌ترین قواعد فقه و احکام ثانویه می‌دانند و می‌گویند بر احکام اولیه تقدم دارد؛ یعنی هر حکم اولیه‌ای که با آن منافات داشته باشد، باطل می‌شود. اصلی‌ترین و مهم‌ترین مستند این قاعده، آیه ۱۴۱ سوره مبارکه نساء است که نام‌گذاری قاعده نفی سبیل نیز از عبارت‌های این آیه مورد اشاره است: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُم مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَالِلَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ منافقان همان‌ها هستند که پیوسته انتظار می‌کشند و مراقب شما هستند اگر فتح و پیروزی نصیب شما گردد می‌گویند آیا ما با شما نبودیم (پس ما نیز سهمیم در افتخارات و غنائم هستیم!) و اگر بهره‌ای

لحاظ کردن اقتصاد ناقص خواهد بود. در سال‌های اخیر با تبدیل شدن اقتصاد به حربه‌ای کارآمد در سیاست خارجی و دفاعی کشورها، انقلاب در فناوری و اولویت یافتن رفاه، این مقوله هم اهمیتی مضاعف پیدا کرده و باسیاست به تعامل مؤثری رسیده است. سؤال اساسی که در این مقاله مطرح و بررسی می‌شود این است که بعد اقتصادی قاعده نفی سبیل چگونه قابل تحلیل است؟ فرضیه مقاله نیز بدین شکل قابل طرح است که «اقتصادی یکی از مؤلفه‌های مهم قاعده نفی سبیل است و تولید داخلی، دانش و فن‌آوری اقتصادی، امنیت و عدالت اقتصادی از مهم‌ترین سازوکارهای تحقق قاعده نفی سبیل در بعد اقتصادی است». به منظور بررسی سؤال و فرضیه مورد اشاره ابتدا به تحلیل قاعده نفی سبیل با رویکرد اقتصادی پرداخته شده و در ادامه سازوکارهای تحقق قاعده نفی سبیل از منظر اقتصادی بررسی شده است.

۲. مواد و روش‌ها:

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی بوده و برای جمع‌آوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی:

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها:

بعد اقتصادی قاعده نفی سبیل، به معنی عدم سلطه اقتصادی بیگانگان است. برای عملی شدن قاعده نفی سبیل در حکومت اسلامی باید به اقتصاد و توسعه آن توجه ویژه نمود. یکی از مهم‌ترین مبانی و اهداف اقتصاد در حکومت

نصیب کافران گردد می‌گویند آیا ما شما را تشویق به مبارزه و عدم تسلیم در برابر مؤمنان نمی‌کردیم؟ (پس با شما سهیم خواهیم بود!) خداوند در میان شما در روز رستاخیز داوری می‌کند و هرگز راه تسلطی برای کافران نسبت به مؤمنان قرار نداده است.» برای استدلال به این آیه، باید به معنای صحیح «سبیل، پی ببریم. اگر «سبیل» را در سیاق آیه بر معنای حقیقی آن حمل کنیم، مستلزم تکاذب در مقام تکوین است. لذا علمائی که استدلال به این آیه را صحیح می‌دانند، معتقدند که مفاد آیه، در مقام تشریع است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴، ۷۸).

بی شک مهم‌ترین کلمه‌ای که ما را به درک صحیح از عبارت قاعده و مفاد وسیع آن در فقه، آگاه می‌کند؛ واژه «سبیل» است. درباره معنای اصطلاحی گفته‌اند که «نفی سبیل» به معنای نفی حکمی است که موجب تسلط کافر بر مسلم شود (مصطفوی، ۱۴۲۶، ج ۱، ۲۹۳؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۸، ۴۲۳). از دید برخی از فقهای دیگر نیز، منظور از نفی سبیل در آیه نفی هرگونه جعل حکمی تشریعی، در گذشته و آینده است. در واقع سبیل به معنای نفی سلطه کافر بر مسلم قبل از وجود غلبه تکوینی در خارج است. بعد از غلبه‌ای که در خارج محقق می‌شود، لسان نفی سبیل همان لسان نفی حرج، در آیه نفی حرج خواهد بود که مقدم بر ادله احکام اولیه است (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ۲۳۴). بنابراین سبیل در اصطلاح به معنای جعل حکم تشریعی است که نفی آن به معنی نفی هر حکمی است که موجب سلطه و تسلط کافر بر مؤمن یا مسلم شود (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ۱۹۰-۱۹۱).

«الکافرین» و «المؤمنین» از دیگر واژه‌های کلیدی در آیه مورد اشاره است. «کفر» در لغت به معنای پنهان کردن و پوشاندن است (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۴، ۲۱۱). فیروزآبادی در قاموس المحيط می‌گوید: «کفر، ضد ایمان و انکار نعمت‌های خداوند است. به شب، دریا، رودخانه بزرگ، ابر تاریک، سرزمین وسیع، زره و کشاورز، کافر می‌گویند؛ زیرا هر یک به نحوی، چیزی را می‌پوشانند» (فیروزآبادی، ۱۳۷۸، ج ۳، ۱۵۶).

«مؤمنین» جمع «مؤمن» و مشتق از «ایمان» است. در اکثر معاجم عربی، «ایمان» را به معنای تصدیق کردن، و «مؤمن» را «مصدق» و «تصدیق‌کننده» می‌دانند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ۳۸۹). تا جایی که زبیدی در این معنا، ادعای اجماع بین علمای لغوی کرده است (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۸، ۲۴). اما فیومی در مصباح المنیر، تسلیم بودن را معنای موضوع له آن می‌داند (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ۲۴). به هر حال تسلیم شدن نتیجه تصدیق واقعی و قلبی است.

در کل مطابق آیه ۱۴۱ سوره نساء هیچ‌گاه خداوند در عالم تشریع حکمی را جعل نمی‌کند که موجب سلطه کافر بر مسلمان شود (حویزی، ۱۴۱۲، ج ۱، ۵۶۵). با توجه به آنچه گفته شد؛ قاعده نفی سبیل، حکم وضعی و تکلیفی در مقام تشریع است که به موجب مفاد آن، احاطه و برتری بالقوه یا بالفعل، در حال یا در آینده، در مصادر یا در ملزومات، بر آحاد مسلمین یا عموم آنان نفی شده است. با این اوصاف، بسیاری از ابواب و فروع فقهی مانند تعاملات اقتصادی با دنیای خارج در حیطه این قاعده است (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ۱۸۷-۱۸۹).

مهم‌ترین اصل منتج از قاعده نفی سبیل، نفی سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری است که در اصل ۱۵۲ قانون اساسی نیز مورد تأیید قرار گرفته است: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است». همچنین بر اساس اصل ۱۵۳: «هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگی، ارتش و دیگر شئون کشور گردد، ممنوع است».

۵-۲. قاعده نفی سبیل و همکاری اقتصادی

قاعده نفی سبیل مواردی را شامل می‌شود که از یک سو سلطه کافر بر مسلمان و از دیگر سو، ذلت و تحقیر مسلمان را موجب گردد و از جمله راه‌های سلطه کفار بر مؤمنین سلطه اقتصادی است (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ۱۸۷-۱۸۸؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳، ۲۳۳). یکی از عناصر اقتصادی قاعده نفی سبیل عدم وابستگی اقتصادی و استقلال اقتصادی است. مصرف کالاهایی که باعث تسلط سیاسی و اقتصادی کافران و بیگانگان بر مسلمانان شود و اسارت و وابستگی جامعه اسلامی را به دنبال داشته باشد، حرام است؛ زیرا مسلمانان باید از کیان سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشور خود به هر طریق ممکن دفاع کنند (موسوی خمینی، ۱۳۳۴، ج ۱، ۴۸۵-۴۸۷). این دفاع ممکن است از راه نخریدن و مصرف نکردن کالاهای ساخته‌شده آن کشورها انجام پذیرد، در چنین وضعی ولی امر مصرف و تجارت این قبیل کالاها را تحریم می‌کند مانند تحریم تنباکو از سوی مرجع تقلید، میرزای شیرازی در زمان ناصرالدین‌شاه در جهت تأمین نفی سلطه بیگانه صورت گرفت و نقشه استعمار انگلیس را در آن برهه از زمان خنثی کرد. بر جامعه اسلامی نیز

مهم‌ترین اصل منتج از قاعده نفی سبیل، نفی سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری است که در اصل ۱۵۲ قانون اساسی نیز مورد تأیید قرار گرفته است: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است». همچنین بر اساس اصل ۱۵۳: «هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگی، ارتش و دیگر شئون کشور گردد، ممنوع است».

مطابق اصول مورد اشاره در قانون اساسی، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به دنبال تسلط و فرمانروایی بر هیچ ملت و کشوری نیست؛ بلکه بر پایه روابط دوستانه و صلح‌آمیز با سایر دول استوار است؛ اما از طرفی اجازه استیلا و اعمال قدرت به بیگانگان را نیز نمی‌دهد. این همان آموزه برگرفته از قاعده اسلامی نفی سبیل است (علیدوست، ۱۳۸۳: ۲۴۱). از لحاظ فقهی، قاعده نفی سبیل، حرمت وضعی و تکلیفی سلطه کافر بر مسلم را ثابت می‌کند (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ۱۶۷؛ حلی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۴۱۷-۴۱۳). بنابراین قانون مربوطه که در متن خود، بر قاعده نفی سبیل دلالت دارد، بر این اصل مبتنی است که چنانچه به هر واسطه‌ای، سلطه‌پذیری، استیلاء و امکان اعمال قدرت بر جامعه اسلامی صورت پذیرد؛ از نظر شارع، ممنوع است. بنابراین اگر قرارداد یا قانونی درباره آحاد مسلمانان، در زمان طاغوت و یا هر زمان دیگری، وضع شده باشد؛ به اطلاق قاعده، شرعاً نافذ نیست؛ حتی اگر مقدمه‌ای برای این سلطه، قدرت و استیلاء نیز قرار گیرد؛ باطل است؛ زیرا شارع آن را نهی کرده و نهی شارع

واجب است این تحریم را به اجرا درآورد، همچنین دولت اسلامی می‌تواند در صورت لزوم، سیاست‌های مصرفی را در جامعه به گونه‌ای اعمال کند که مشکلات اقتصادی پدید نیاید و حرکت در جهت دستیابی به اهداف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مورد نظر نظام اسلامی تضمین شود (خلیلیان، ۱۳۸۴، ۳۵۸). سلطه اقتصادی بر یک ملت هنگامی شکل می‌گیرد که قدرت‌های اقتصادی بیگانه، تولید و بازار را در اختیار گیرد (ضیاء بخش، ۱۳۸۶، ۴۱). لازم به توضیح است که معنای استقلال غیر خودکفایی است، خودکفایی به این است که یک جامعه نیازهای خود را تأمین کند و نیازی به وارد کردن کالا از خارج نداشته باشد، اما استقلال اعم از این است: یک جامعه مستقل اقتصادی ممکن است احتیاج به وارد کردن برخی کالاها داشته باشد، اما تأمین این نیاز تکیه بر سایر جوامع ندارد، ناگزیر به باج دادن و سر فرود آوردن نیست. بلکه در روابط سالم برخی از محصولات خود را می‌دهند و تولیدات دیگران را می‌ستانند اما خودکفایی بیش از این است، چون یک جامعه خودکفا می‌تواند همه نیازهای خود را هرچند با هزینه بیشتر تأمین کند، گرچه ترجیح می‌دهد برای بهتر استفاده کردن از امکانات خود و صرفه‌جویی کردن، برخی کالاها را از بیرون وارد کند.

۳-۵. تحقق قاعده فی سبیل از منظر اقتصادی

۱-۳-۵. تولید داخلی

یکی از آیاتی که می‌توان در اهمیت تولیدات ملی از آن استفاده کرد، آیه ۱۴۱ سوره نسا است که با صراحت تمام بیان می‌کند که جامعه اسلامی باید درصدد باشد که در زیر سلطه بیگانگان و

دشمنان قرار نگیرد. روشن است که وابستگی اقتصادی همان‌طور که امام خمینی رحمه الله علیه فرمودند منشأ تمام وابستگی‌ها و در نتیجه قرار گرفتن در تحت سلطه بیگانگان خواهد بود: «اگر ما یک وابستگی اقتصادی داشته باشیم این موجب می‌شود که وابستگی سیاسی هم پیدا بکنیم، وابستگی نظامی هم پیدا بکنیم. مملکتمان باز برگردد به آن حالتی که سابق بود» (موسوی خمینی، ۱۳۵۸، ج ۱۲، ۴۱).

بر اساس قاعده نفی سبیل هرگونه ارتباط و داد و ستدی که موجب سلطه بیگانگان بر مسلمان شود، اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی، ناروا است. تولید ملی و حمایت از آن نیز راهی برای مبارزه با این سلطه است.

در نصوص دینی نیز تأکید فراوانی هم بر مقوله کار و هم بر مقوله تولید گردیده است. اسلام، مردم را برای برطرف کردن نیازهای زندگی، به کار و کوشش امر کرده، از بیکاری، تنبلی و سربار دیگران شدن به شدت منع نموده است. نیازمندی و احتیاج به دیگران، جامعه، کشور، دولت و حکومت را به «وابستگی اقتصادی» و سپس «وابستگی سیاسی» وادار می‌کند، پس واجب است که مسلمانان به پدید آوردن صنایع مختلف و نوین اهتمام ورزند تا چنان شود که نیازی به بیگانگان پیدا نکند که امیرالمؤمنین می‌فرمایند: «از هر کس بی‌نیاز باشی نظیر اویی و به هر کس نیازمند باشی اسیر اویی» (آمدی، ۱۳۶۶، ۱۳۴). همچنین امام صادق (ع) به روایت از پدران بزرگوارشان سربلندی و خیر امت را در استفاده از تولیدات ملی می‌دانند و مردم را به این روش

توصیه می‌کنند: امام صادق (ع) به روایات از پدرانش: برای علی (ع) آرد را نمی‌بیختند و علی (ع) می‌فرمود: «کار این امت به خیر است تا آن زمان که لباس عجم (غیر عرب) نپوش حکیمی ند و خوراک‌های عجم نخورند، و چون چنین کنند، خدا آنان را خوار می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۳، ۳۲۴؛ حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۴، ۳۱۵).

در حدیث دیگری از امام صادق (ع) در مورد نیاز انسان به کار و تولید اشاره شده است که در آن کار و تولید را صلاح انسان می‌داند. «ای مفضل! از چیزهایی عبرت بگیر که برای رفع نیازمندی‌های آدمی آفریده شده، و تدبیرهایی در آن‌ها به کار رفته است: دانه برای خوراک او آفریده شده، لیکن آرد کردن و خمیر کردن و پختن آن به عهده خود انسان گذاشته شده است. کرک و پشم برای پوشش او آفریده شده، ولی زدن و رشتن و بافتن آن تکلیف خود اوست. درخت برای او آفریده شده، اما نشانندن و آب دادن و رسیدگی به آن کارهایی است که خود باید بکند. گیاهان دارویی برای درمان او آفریده شده، لیک چیدن و ترکیب کردن و ساختن دارو از آن‌ها به خود او واگذار شده است. و دیگر چیزها را نیز به همین‌گونه خواهی یافت. پس بنگر که چگونه آنچه را انسان خود نمی‌توانسته است پدید آورد خداوند پدید آورده است، لیکن در هر یک از آن‌ها جای کار و کوششی باقی گذاشته است؛ زیرا که صلاح آدمی در همین چگونگی بوده است، چون اگر این کار نیز از عهده آدمی برداشته می‌شد، و برای او هیچ کار و شغلی باقی نمی‌ماند، انسان از ناسپاسی و

سرمستی چنان می‌شد که زمین نمی‌توانست تحملش کند، و سرانجام به کارهایی دست می‌زد که به تلف شدن او منجر می‌گشت؛ به واقع اگر همه نیازمندی‌های مردمان (بی کوششی و کاری و زحمتی در اختیار ایشان می‌بود، زندگی دیگر گوارا نمی‌شد و از آن لذتی برای هیچ‌کس فراهم نمی‌آمد؛ آیا ندیده‌ای که اگر کسی مهمان قومی شود و مدتی بماند و همه آنچه می‌خواهد از خوراک و پوشاک و پذیرایی در اختیارش باشد، از بیکاری خسته و ملول می‌شود، و دلش می‌خواهد خودش را به چیزی مشغول دارد؟ پس بر این قیاس کن که اگر آدمی در تمام عمر هر چه می‌خواست در اختیار می‌داشت به چه رنجی گرفتار می‌شد. و حسن تدبیر در چیزهایی که برای انسان آفریده شده، در آن است که جایی برای کار آدمی در آن‌ها باقی مانده است، تا هم از بیکاری دلگیر نشود، و هم او را از پرداختن به چیزهایی بازدارد که یا به دست نمی‌آید، یا به خیر و صلاح او نیست» (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۵، ۴۲۶-۴۲۷). حدیث مذکور به بیان این موضوع می‌پردازد که کار و تولید در زندگی آدمی از اهمیتی اساسی برخوردار است و این امری معلوم و شناخته شده است. کار و تولید نه تنها باعث استقلال و سربلندی شخص می‌شود، بلکه باعث سازندگی روحی او نیز می‌شود؛ زیرا خداوند انسان و همه موجودات را به گونه‌ای خلق کرده است که برای بقا و حفظ خود به ناچار باید تغییراتی در محیط خود و طبیعت به وجود آورند. در نتیجه می‌توان گفت که تولید مطلوب خداوند است.

فرازهایی از فرمایش حضرت علی (ع) در نهج البلاغه در خصوص حمایت از کسانی که در بخش‌های مختلف برای رفاه و آبادانی جامعه تلاش می‌کنند، نیز ناظر بر همین مسئله است. حضرت در نامه ۵۳ نهج البلاغه به اهمیت تولیدکنندگان برای قوام نظام و زندگی مردم اشاره می‌کنند. در یک فراز امام (ع) جامعه را به هفت طبقه که در واقع هفت عمود خیمه زندگانی اجتماعی بشر است تقسیم فرموده، هرچند طبقات دیگری نیز می‌توان پیدا کرد؛ ولی عمده و اساس همین هفت قشر هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۵، ۴۴۷). بعد از نام بردن این هفت طبقه، اشاره‌ای اجمالی به وظایف و حقوق آن‌ها کرده و به دنبال آن به شرح مبسوطی درباره ویژگی‌ها و صفات و وظایف و حقوق هر کدام از این طبقات می‌پردازد. یکی از این طبقات تاجران و صنعتگرانند؛ که به عنوان قسمت مهمی از جامعه اسلامی در آن روز و مخصوصاً امروز را تشکیل می‌دهند که امام توصیه‌های متعددی در ادامه این نامه درباره آن‌ها دارد و ارتباط آن‌ها را با دیگر طبقات بیان می‌فرماید: «همه این گروه‌ها نیز بدون تجار و پیشه‌وران و صنعتگران سامان نمی‌یابد (زیرا) آن‌ها (تجار و صنعت گران) وسایل زندگی ایشان (گروه‌های پیشین) را جمع‌آوری کرده و در بازارها عرضه می‌کنند و (گروهی از آنان) وسایل و ابزاری را با دست خود می‌سازند که دیگران قادر به آن نیستند» (سید رضی، ۱۴۱۴، ۳۷۱). تعبیر «إِلَّا بِالتَّجَارِ وَذَوِي الصَّنَاعَاتِ»، (بازرگانان، کاسبان و صنعتگران)، بیانگر نیاز شدید اجتماع به هر فرد و هر صنف هست؛ و این واقعیت بر اهمیت سه جریان تولید، تجارت و توزیع تأکید می‌کند. در این فرمان، حضرت علی (ع) بازرگانان و صاحبان صنایع (تولیدکنندگان) را در یک ردیف می‌آورند.

هر دو گروه، منشأ منفعت شمرده شده‌اند. بازرگانان از این جهت در اسلام محترم و مورد حمایت‌اند که خدمات مفیدی انجام می‌دهند. مقصود از تجارت در اصطلاح احادیث اسلامی، معنای عام آن، یعنی انواع کسب و خرید و فروش است، خواه با تولید باشد، یا وارد کردن کالا از خارج، یا گونه‌های دیگر کسب و خرید و فروش؛ پس هم شامل تجارت اصطلاحی می‌شود و هم انواع دیگر کسب و حرفه و پیشه را شامل می‌شود. چنان‌که امام علی (ع) می‌فرماید: «به کسب و تجارت بپردازید تا از مال دیگران بی‌نیاز باشید، خدای بزرگ پیشه ورامین را دوست می‌دارد. اگر زیان کند ستایش نمی‌شود و اجری هم ندارد» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ۱۱).

از تعالیم اسلامی چنان برمی‌آید که تجارت نیز کاری است که باید بازرگانان و واردکنندگان اجناس به آن کار بپردازند؛ چنان‌که امام علی (ع) اغلب آنان را چنین توصیف می‌کنند: «بازرگانان کسانی هستند که اجناس و کالاهای موردنیاز مردم را از جاهای دور و پرت‌افتاده، در خشکی و دریا و در دشت و کوه و جاهایی که مردمان با آن‌ها آشنا نیستند و قدرت رفتن به آنجاها را ندارند وارد می‌کنند...» (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۵، ۵۹۰). البته واردکردن کالا و تولید آن و خرید و فروش از اموری است که در اسلام از جنبه‌های متعدد دارای محدودیت است، همان‌گونه که در هر مکتب اقتصادی متعهد نیز چنین است.

آشکار است که واردکردن بدون داشتن راهبرد مشخص اقتصادی موجب وابستگی اقتصادی می‌شود و نتیجه وابستگی اقتصادی تسلط یافتن غیرمسلمان بر مسلمان و سرزمین ایشان خواهد شد؛ و این امری است که اسلام آن را به‌شدت

ارتباط با خالق و همراه آن، بلکه در معیت آن، تجارت و کار و اقتصاد عاقلانه و سالم است (موسوی خمینی، ۱۴۲۴، ج ۲، ۳۰۲).

مهم‌ترین چیزی که جامعه انسانی را بر اساس خود پایدار می‌دارد، اقتصاد آن جامعه است که خدا آن را مایه قوام اجتماعی قرار داده است. بنابراین برای قوام جامعه و حکومت اسلامی و سالم بودن آن، باید به اقتصاد و توسعه اقتصادی توجه لازم کرد و برای پیشرفت آن کوشید؛ زیرا اگر جامعه‌ای از نظر اقتصاد ضعیف باشد راه را برای تسلط بیگانگان باز گذاشته است.

یکی از اصول اولیه اقتصاد سالم حیات و قابلیت رشد و نمو ثروت است. می‌توان یکی از روش‌هایی که یک حکومت با کمک آن به استقلال اقتصادی می‌رسد را، «حمایت از تولیدات ملی» نام برد؛ زیرا وقتی از تولیدات ملی پشتیبانی کافی به عمل بیاید و تولیدکننده داخلی با اعتماد به نفس مشغول کار شود جهش اقتصادی بزرگی به وجود می‌آید و در ادامه ما شاهد شکوفایی اقتصاد و استقلال حکومت اسلامی خواهیم بود.

۵-۳-۲. دانش و فناوری

دانش و فناوری، بنیان یک اقتصادی قوی است. بر همین اساس در اسلام بر کسب علم و دانش تأکید زیادی شده است. امام علی (ع) می‌فرماید: «دانش را فراگیرند؛ زیرا آموختن آن حسنه و تمرین و گفتگوی علمی عبادت و تحقیق علمی جهاد و آموزش آن به کسی که نمی‌داند صدقه است. علم در تنهایی همراه و مونس انسان و ابزار علیه دشمنان و زینت در میان دوستان، خداوند اقوامی را با علم بالا برد که دیگران به آنان اقتدا کردند؛ زیرا که علم، زندگی قلب‌ها و نیروی بدن‌ها برای جلوگیری از ضعف است، و با علم، خداوند

طرد می‌کند؛ زیرا بنا بر قاعده نفی سبیل نباید کافران بر مسلمانان راه تسلطی پیدا کنند: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱) و این خود علت مهم دیگری است برای آنکه اسلام وارد کردن آزاد و بی حد و مرز اجناس را طرد کند (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۵، ۵۲۲-۵۲۳). جمله «و يَكْفُوْنَهُمْ مِنَ التَّرَقُّقِ بِأَيْدِيهِمْ...» اشاره به صنعت گران است که آن‌ها با تلاش و رنج و زحمت وسایل موردنیاز مردم را با دست‌های خود - البته طبق شرایط آن زمان - ساخته و پرداخته و در اختیار نیازمندان می‌گذارند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ۴۵۳). پس باید برای قوام یک جامعه از تولیدکنندگان آن حمایت کرد؛ زیرا همان‌گونه که امام (ع) فرمودند معیشت دیگر طبقات به کار و تلاش آن‌ها وابسته است.

در فراز دیگر از این نامه، امام در جمله‌ای کوتاه و پرمعنا می‌فرمایند: «زیرا عمران و آبادی، هر چه بر آن بارکنی تحمل می‌کند» در عبارت فوق، اشاره به اینکه اساس کار و آنچه حرف اول را می‌زند عمران و آبادی است؛ اگر زمین‌های کشاورزی و سایر منابع درآمد مردم یک کشور آباد گردد و بنیه اقتصادی همه قوی شود هر مشکلی پیش آید قابل حل است.

اسلام همان‌گونه که به عبادات و مسائل آن عنایت و توجه دارد، به اقتصاد و معاش بندگان نیز عنایت و توجه دارد؛ زیرا که «لَا مُعَاذَ لِمَنْ لَا مَعَاشَ؛ کسی که زندگی مادی ندارد زندگی معنوی هم نخواهد داشت» (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ۱۹۵) و بدیهی است که اساس سعادت فرد و جامعه عبادت و بندگی توأم با کسب و کار و اقتصاد است، اساس عزت و عظمت مسلمین،

اطاعت و عبادت می‌شود» (سید رضی، ۱۴۱۴، ۱۹) همچنین از امام باقر (ع) نقل است که: «عالم مانند کسی است که شمعی به دست دارد و راه را به مردم می‌نماید. پس هر که پرتو شمع او را ببیند برایش دعای خیر کند. بدین‌سان عالم با شمعی که در دست دارد، تاریکی‌های جهل و سرگردانی را از میان می‌برد» (حکیمی، ۱۳۵۸، ج ۱، ۴۰). در کل از منظر فقهی «کسب علم در هر شرایطی واجب است» (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۱، ۱۷۷). در این بستر است که اقتصاد دانش‌بنیان شکل می‌گیرد. اقتصاد دانش‌بنیان به عنوان رویکردی نوین در سیر تکامل رویکردهای اقتصادی نقش حائز اهمیتی در توسعه کشورهای پیشرفته داشته و بخش قابل توجهی از درآمدهای ملی و تولید ناخالص کشورهای را تشکیل می‌دهد. رویکردهای سابق اقتصادی شامل اقتصاد کشاورزی و اقتصاد صنعتی در اقتصاد دانش‌بنیان، بر اهمیت فناوری و نوآوری در یک اقتصاد خدماتی و تولیدی اشاره دارد و سرمایه‌های انسانی مبتکر و خلاق از ارکان اساسی آن به شمار می‌آید. «موج اول انقلاب کشاورزی بود که به مرحله شکارگری پایان داد، موج دوم همانی است که کارشناسان تاریخ اقتصادی و اجتماعی از آن با عنوان انقلاب صنعتی نام می‌برند و بالاخره، موج سوم، که به اعتقاد الوین تافلر از دهه ۱۹۵۰ آغاز شد، به ورود جامعه صنعتی به عصر فراصنعتی منجر گردید (تافلر، ۱۹۸۰).

در ایران تعریف از اقتصاد دانش‌بنیان تاکنون بیشترین کاربرد را در سیاست‌گذاری داشته است و گواه آن نیز رویکرد دستیابی و توسعه فناوری‌های پیشرفته در اکثر سیاست‌های حوزه علم، فناوری و نوآوری کشور از جمله قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، طرح‌های کلان

ملی شورای عالی عتف و معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، راه‌اندازی ستادهای ویژه توسعه فناوری و تعیین اولویت‌های موضوعی نقشه جامع علمی کشور است (قاسمی؛ وهمکاران، ۱۳۹۷).

اقتصاد دانش‌بنیان، اقتصادی است که سعی می‌کند مستقیم از طریق دانش، خلق ارزش کند. یعنی خود دانش را تبدیل به ارزش نماید، سازمان‌های بین‌المللی و اقتصاددانان تعریف‌هایی را برای اقتصاد دانش‌بنیان ارائه کرده‌اند. طبق تعریف سازمان همفکری اقتصادی و توسعه، اقتصاد دانش‌بنیان اقتصادی است که بر اساس تولید و توزیع و کاربرد دانش و اطلاعات شکل‌گرفته و سرمایه‌گذاری در دانش و صنایع دانش‌پایه، مورد توجه خاص قرار می‌گیرد، صنایع دانش‌بنیان صناعی است که در آن‌ها سطح بالایی از سرمایه‌گذاری به ابداع و نوآوری اختصاص می‌یابد و فناوری‌های کسب‌شده با شدت بالایی مصرف می‌شوند و نیروی کار از تحصیلات عالی برخوردار است (سازمان برنامه و بودجه گزارش سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، ۲۰۰۵، ۲۹۲-۲۹۴). کمیته اقتصادی مجمع همکاری اقتصادی آسیا اقیانوس آرام: اقتصاد دانش‌بنیان را اقتصادی می‌داند که در آن تولید و توزیع و کاربرد دانش عامل و محرک اصلی رشد اقتصادی و تولید ثروت و اشتغال در همه صنایع است (پیغامی، ۱۳۹۴، ۲-۳). طبق این تعریف، اقتصاد دانش‌بنیان برای رشد و تولید ثروت تنها به تعدادی از صنایع با فناوری بالا متکی نیست بلکه در این اقتصاد همه صنایع به فراخور نیاز خود از دانش استفاده می‌کنند، به عبارت دیگر در اقتصاد دانش‌بنیان، تولید و توزیع و کاربرد دانش در همه صنایع، عامل محرک رشد اقتصادی و تولید ثروت و اشتغال است. بر اساس مطالعات مجمع همکاری اقتصادی آسیا، اقیانوس

آرام و طبق شواهد تجربی موفق‌ترین کشورها، کشورهایی هستند که اقتصاد آن‌ها کمترین فاصله را با ویژگی‌های اقتصاد دانش‌بنیان داشته باشد، به علاوه از نظر این کمیته، دانشی که بنای اقتصاد دانش‌بنیان است، بسیار فراتر از دانش فنی است و شامل دانش فرهنگی و اجتماعی و مدیریتی نیز می‌شود. فرآیند پیشرفت در اقتصاد دانش‌بنیان با توجه به نقش وسیع دانش و کاربرد عملی آن فناوری وجود رابطه بازخورد بین دانش و کاربرد آن را ضروری می‌کند.

۵-۳-۳. توجه به امنیت کسب و کار

امنیت اقتصادی و کسب و کار از طریق تحقق توصیه‌ها و احکام اقتصادی به وسیله مسلمانان ساری و جاری می‌شود و تأکید و اهتمام بر رسیدگی به امور مسلمین و پیروی از احکام دین تعیین‌کننده احکام اقتصادی و جلوگیری از نفوذ دشمن خواهد بود (سبحانی، ۱۳۹۱، ۹۸). امنیت اقتصادی در دو جهت، قابلیت کاربرد دارد: ابتدا اینکه زمینه‌ساز افزایش بهره‌وری و بازدهی در زندگی و از بین رفتن فقر و تنگدستی در جامعه است و دوم اینکه: پیامد آن، سبب شکل‌گیری صحیح مناسبات اقتصادی و تجاری در جامعه مسلمانان می‌گردد. لذا «توجه قرآن به اموری مانند رفع فقر و شکاف طبقاتی و انحصار ثروت در دست توانگران در راستای برقراری امنیت برای معیشت افراد و زدودن فقر از جامعه قابل تحلیل است».

بر این اساس، قرآن کریم بهره‌مندی از رزق و روزی را در سایه امنیت می‌داند و در مورد دعای حضرت ابراهیم (ع) در آیه ۱۲۶ سوره بقره می‌فرماید: «و (به یادآورید) هنگامی را که ابراهیم عرض کرد: پروردگارا! این سرزمین را شهر امنی

قرار ده! و اهل آن را از ثمرات (گوناگون)، روزی ده!». «در این آیه به این حقیقت اشاره شده که تا امنیت در شهر و کشوری برقرار نباشد، فراهم کردن یک اقتصاد سالم ممکن نیست، به عبارت دیگر، بهره‌مندی از نعمت‌های اقتصادی وقتی گواراست که در فضای آرام و امن باشد» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۳۹۷). نکته قابل توجه اینکه مصونیت کسب رزق هم مورد توجه پیامبران الهی بوده است. در این آیه اهمیت تاثیر امنیت بر کسب رزق و روزی نمایان است؛ بدین معنا که در سایه امنیت، می‌توان به رونق کسب و کار پرداخت. از طرفی «پیامبر گرامی اسلام (ص) دو نعمت را مجهول می‌داند: یکی امنیت و دیگری عافیت و تندرستی و می‌فرماید: «دو نعمت‌اند که قدرشان مجهول است: صحت و امنیت» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲، ۴۷۲). در این حدیث هم امنیت در حد و اندازه سلامت مهم تلقی شده است. در فرایند عادلانه تولید، توزیع و مصرف نیز، در جامعه اسلامی نیازمند مدیریت کارآمد و مؤثر با توجه به مصونیت سازی در تمام چرخه اقتصادی است. بنابراین، از جمله مواردی که سبب از بین رفتن امنیت اقتصادی جامعه اسلامی و سبب نفوذ و سوءاستفاده دشمنان در کشورهای اسلامی می‌گردد عبارت‌اند از: افزایش هزینه‌های مصرف مردم - عدم اعتمادسازی در کسب و کار - عدم توجه به عدالت اقتصادی - افزایش فاصله طبقاتی فقیر و ثروتمند در جامعه - تحلیل رغبت و علاقه به فعالیت این موارد همگی در ناامن سازی کسب و کار مؤثرند و با مدیریت علمی و کارآمد و با تجزیه و تحلیل، می‌توان، زمینه‌ها و ریشه‌های مشکلات مذکور را ردیابی و با ارائه راهکار و عملی نمودن آن‌ها علاوه بر تقویت اقتصاد از نفوذ دشمن نیز جلوگیری کرد.

زمینه‌ای جهت حضور و نفوذ در ممالک اسلامی نداشته باشند.

۵-۳-۴. عدالت اقتصادی

از جمله اصول مهم اقتصاد، عدالت محوری است؛ بدین معنا که مدلی از پیشرفت اقتصادی مطلوب است که بر مبنای عدالت باشد و از ظلم و اجحاف به افراد یا اقشار گوناگون بپرهیزد. عدالت به معنای قرار گرفتن هر چیز در جای خود است (ابن ابی الحدید، ۱۴۱۴، ج ۲۱، ۳). «عدالت اقتصادی به معنای نقش‌آفرینی همگان در تولید ثروت ملی و بهره‌مندی یکایک افراد جامعه از ثروت به دست آمده است. عدالت اقتصادی ایجاب می‌کند هر کس به حق خود قانع باشد و از تجاوز به حقوق مالی دیگران بپرهیزد» (عزیزان، ۱۳۹۰، ۴۲).

عدالت اقتصادی موضوعی مهم در گردش امور جامعه مسلمین است. در قرآن کریم، هدف از اجرای عدالت این گونه بیان شده است: «عدالت را رعایت کنید که آن به پرهیزکاری نزدیک‌تر است، و از خدا پروا کنید؛ زیرا خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است» (مائده، ۸). معنای عدالت در اداره امور این است که هر کس و هر چیز در جای مناسب خود قرار گیرد و امتیازها و تفاوت‌ها بر مبنای صلاحیت و شایستگی باشد تا همگان بتوانند از منابع و امکانات موجود متناسب با استعدادها و توانمندی‌ها بهره ببرند (خدمتی، ۱۳۹۳، ۱۹۶). برقراری عدالت اقتصادی در جامعه مسلمین سبب جلوگیری از نفوذ دشمن خواهد شد.

برقراری عدالت اقتصادی در جامعه دارای اهمیت ویژه‌ای است و انحراف از آن ریشه تمام مفاسد اقتصادی است، از این رو تمام مؤمنین باید نسبت

همچنین، از مهم‌ترین عوامل نا امنی اقتصادی سرقت است که با «برچیده شدن آن در جامعه تولید و سرمایه‌گذاری گسترش می‌یابد و امنیت و اشتغال فراهم می‌شود» (معمد؛ شهیدی نسب؛ اصغری، ۱۳۹۶، ۱۰۱). از این رو، «ابراهیم نخست تقاضای امنیت و سپس درخواست مواهب اقتصادی می‌کند و این خود اشاره‌ای است به این حقیقت که تا امنیت در شهر یا کشوری حکم‌فرما نباشد فراهم کردن یک اقتصاد سالم ممکن نیست!» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ۶۵۲). لازمه برقراری امنیت اقتصادی، گسترش اخلاق اسلامی در جامعه است، همچنین، رعایت تقوای اسلامی سبب می‌شود، اموال و حقوق انسان‌ها از تجاوز مردم و دولت مصون باشد (میر مغزی، ۱۳۹۰، ۵۳). و دولت‌ها باید با تحکیم حقوق مالکیت، اطمینان خاطر لازم را در بنگاه‌های اقتصادی نسبت به عدم تصرف در اموال مردم فراهم و یا با ایجاد سیستم قضایی امنیت بنگاه‌ها را تأمین نمایند (نیلی، ۱۳۸۹، ۵۳).

تأمین امنیت در حوزه اقتصادی جامعه مسلمانان سبب توسعه یافتگی، گسترش اشتغال و افزایش درآمد می‌گردد، این حوزه دارای گستردگی خاصی است که همه دستگاه‌های سازمان یافته باید جهت محقق سازی این امر اقدامات لازم را به بهترین صورت ممکن انجام دهند. بنابراین لازم است، برای حفظ امنیت اقتصادی کشورهای مسلمان و کسب و کار، دستگاه‌های امنیتی اطلاعاتی، منابع، قابلیت‌ها، شایستگی‌ها و تهدیدات محیط بین‌المللی را پایش کنند (بنی اسد، ۱۳۹۰، ۴۹۲). و در این خصوص موانع رشد اقتصادی و افزایش تولید اقتصادی و کلیه فعالیت‌های کسب و کار را با حفظ آرامش در جامعه رفع نموده تا دشمنان و نظام سلطه

به این مهم اهتمام داشته تا مانع ورود دشمنان در این عرصه گردند.

عدالت، سپر دولت‌هاست. همچنین آن حضرت در بحث کمک مالی به نیازمندان و هدف از عدالت اقتصادی در خطبه ۱۲۶ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «آگاه باشید، بخشیدن مال به آن‌ها که استحقاق ندارند، زیاده‌روی و اسراف است، ممکن است در دنیا مقام بخشنده آن را بالا برد، اما در آخرت پست خواهد کرد، در میان مردم ممکن است گرامی‌اش بدارند، اما در پیشگاه خدا خوار و ذلیل است». لذا، برخورداری تمام اقشار جامعه از اموال بیت‌المال و استفاده از فضای کسب و کار نیازمند توجه حاکمان سیاسی جامعه به صفات درونی خود و مشکلات اقتصادی اقشار جامعه است.

عدالت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اصول و معیارها در سیستم اقتصادی اسلام و شامل شرایط مناسبی از توزیع درآمد و ثروت در بین جامعه است. جامعه اسلامی با مدیریت کارآمد، باید ثروتی را که به‌عنوان امانت در دست بشر است، علاوه بر استفاده بهینه و بهره‌برداری از آن و توسعه آن بر پایه عدالت اقتصادی نسبت به توزیع درآمدها و دارایی‌ها اقدام کند؛ چون «اقتصاد اسلامی بخشی از رسالت و برنامه عمومی اسلام است و همه آن‌ها بر اساس اعتدال و میانه روی قرار دارند» (تافزیگر، ۱۳۸۹، ۱۲۰). متفکرین و متخصصین اقتصادی بر این باورند که تا حدودی ریشه تمامی جرائم اقتصادی و مفاسد اقتصادی عدم رعایت عدالت در این زمینه است، عدالت اقتصادی سبب شفاف سازی فعالیت‌های اقتصادی گشته و علاوه بر پیشرفت همه جانبه سبب جلوگیری از وابستگی به غرب و نفوذ آنان

می‌گردد؛ و «به مقتضای اصل عدالت جامعه مطلوب اسلامی جامعه‌ای متعادل است که آحاد مردم از نظر بهره‌مندی از امکانات رفاهی از حد کفایت زندگی خود برخوردار هستند و در چنین جامعه‌ای شکاف طبقاتی وجود ندارد تا باعث نفوذ دشمنان گردد» (جهانیان، ۱۳۹۰، ۵۳).

تلاش در رفع تبعیض و دوقطبی شدن از دیگر مؤلفه‌های عدالت اقتصادی از دیدگاه اسلام است. جهت شکوفایی اقتصاد کشورهای مسلمان و ناکارآمدی پروژه نفوذ دشمن و رفع تبعیض باید ترتیبی اتخاذ گردد تا اختلاف میان بنگاه‌ها، شهروندان و دولت حل شود، همچنین قوه قضاییه باید به صورت کارآمد، مستقل و نیرومند با فساد و تبعیض و دو قطبی شدن جامعه مبارزه کند (فرج پور، ۱۳۸۳، ۷۵). تجمل‌پرستی، تن‌پروری و ثروت اندوزی از موانع مهم پیشرفت و از عوامل سقوط و انحطاط تمدن‌هاست و چنین جامعه‌ای دچار شکاف طبقاتی و نارضایتی عمومی می‌گردد (وفا؛ زمانی، ۱۳۸۹، ۱۰۸).

اصل عدم تبعیض اقتصادی در دین اسلام بیان می‌دارد که رقابت برای توزیع انواع ثروت‌های افراد را فقط باید بر اساس صفات مرتبط با انجام وظایف آن موقعیت‌ها مورد قضاوت قرارداد و صفاتی چون نژاد و جنسیت و موارد دیگر را نباید به حساب آورد (جهانیان، ۱۳۸۷، ۴۶). و دوقطبی نمودن جامعه سبب ضعف باورهای دینی می‌شود و همچنین زمینه فساد و تباهی را گسترش می‌دهد (اسماعیل پرور، ۱۳۸۰، ۱۷). لذا، فلسفه وجود تبعیض در جامعه مسلمین علاوه بر سرکشی از دستورات دین سبب وجود و ظهور دشمنان و سلاطین زر و زور در جامعه گشته و تلاش جهت از بین بردن و محو آن سبب ارتقاء

توان اقتصادی و در نتیجه ناکارآمدی نفوذ دشمن خواهد بود.

در نظام و حکومت اسلامی جهت مصرف، قوانین و ضوابط خاصی معین شده است که با درآمد همسو و هماهنگ است؛ بدین جهت بهترین الگوی مصرف، توجه به سیستم توزیع و مصرف عادلانه است و برای محقق شدن نظام اقتصادی سالم به منظور بهره‌مندی همه آحاد جامعه از ثروت‌ها و منابع طبیعی گام و رهبران اسلامی باید توزیع عادلانه‌ای در این خصوص داشته باشند تا هرکسی بر اساس قدرت و توانایی خود در رونق تولید و پیشرفت اقتصادی بکوشد، نتیجه اینکه، در این صورت، رعایت عدالت اقتصادی سبب اتقان و استحکام اقتصاد و روابط اقتصادی جامعه مسلمین گشته و یکی از راهکارهای مقابله بانفوذ دشمنان دین خواهد بود.

۶. نتیجه‌گیری

قاعده نفی سبیل قاعده‌ای فقهی که بر اساس آن در دین حکمی نیست که باعث تسلط کافر بر مسلمان شود. قاعده نفی سبیل باید بر همه روابط فردی و اجتماعی مسلمانان و غیرمسلمانان حاکم باشد. اقتصاد یکی از عناصر و مولفه‌های مهم تحقق قاعده نفی سبیل است. در واقع قاعده نفی سبیل صرفاً دارای بعد سیاسی نبوده و دارای بعد اقتصاد نیز هست و بر این معنا دلالت دارد که سلطه کفار ممکن است از لحاظ اقتصادی صورت گیرد. کفار با سلطه اقتصادی کالاهای تولیدی خود را به مصرف مسلمانان درآورده و بازار خود را پویا نگه‌داشته و مسلمانان را نیز مصرف‌گرا بار می‌آورند. از طرفی با ارائه کالاهای غیر اسلامی، زمینه را برای گسترش فرهنگ خود فراهم می‌سازند تا به واسطه این کار، دایره سلطه را

بیشتر و گسترده‌تر سازند. برای مقابله با سلطه اقتصادی بیگانه حمایت از تولید داخلی، تولید دانش و فناوری اقتصادی و اجرای عدالت اقتصادی لازم و ضروری است. البته این نکته را باید در نظر داشت که بین رابطه و سلطه، تفاوت وجود دارد. آن چه که از مفاد این قاعده فهمیده می‌شود، نفی سلطه و استیلای کفار می‌باشد، نه اینکه مسلمانان ارتباط خود را به طور کلی قطع کنند که در نیای امروز غیر ممکن است. حتی می‌توان گفت در مواردی که ارتباط، موجب نفوذ و گسترش اسلام گردد یا سبب کسب علم و فراهم کردن مقدمات توسعه باشد رابطه، ضروری و لازم است. لذا در مورد کافرانی که در حقیقت به دور از نفاق بوده و بنای توطئه و تحقیر مسلمانان را ندارند، می‌توان بر اساس روابط انسانی با آن‌ها زندگی و ارتباط مسالمت‌آمیز داشت؛ همان‌طور که در مورد کفار ذمی این‌گونه است.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش، تضاد منافی وجود ندارد.

منابع فارسی

- انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، جلد سوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۱.
- بنی اسد، رضا، مدیریت راهبردی با تأکید بر جهاد اقتصادی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰.

- پرور، اسماعیل، اصطلاحات مبارزه با فقر، فساد و تبعیض، چاپ اول، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، ۱۳۸۰.
- پیغامی، عادل، درس گفتارهای اقتصاد مقاومتی، چاپ اول، تهران، انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۴.
- تافزیرگر، ای وین، توسعه اقتصادی، چاپ اول، تهران، انتشارات آسیم، ۱۳۸۹.
- تافلر، الوین، موج سوم، چاپ بیست و ششم، تهران، انتشارات فرهنگ نو، ۱۹۸۰.
- جلالی، محمود؛ صفائی، شهرام، «جایگاه قاعده نفی سبیل از منظر قانون اساسی و روابط بین‌الملل ایران»، مجله مطالعات حقوق عمومی، شماره دوم، ۱۴۰۱.
- جهانیان، ناصر، اسلام و رشد عدالت محور، چاپ اول، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.
- جهانیان، ناصر، اصلاح الگوی مصرف از منظر اقتصادی، چاپ اول، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.
- حسینی، سید علیرضا؛ ناظری، محمدرضا؛ «تأثیر قاعده فقهی نفی سبیل بر روابط بین‌المللی مسلمانان»، مجله فقه و حقوق معاصر، شماره سوم، ۱۳۹۵.
- حکیمی، محمدرضا، الحیاء، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، از انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۸.
- حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، علی؛ حکیمی، محمد، ترجمه الحیاء، جلد پنجم و چهارم، چاپ دوم، تهران، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰.
- خدمتی، ابوطالب، مبارزه با فساد اداری با رویکرد اسلامی، چاپ اول، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳.
- خلیلیان، محمد جمال، شاخص‌های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام، چاپ دوم، قم، انتشارات موسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۴.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، جلد اول، چاپ دوم، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷.
- سازمان برنامه و بودجه گزارش سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، تهران، چاپ اول، انتشارات مرکز مدارک اقتصاد و اجتماعی، ۲۰۰۵.
- سبحانی، حسن، گستره اقتصاد اسلامی، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۱.
- ضیاء بخش، علی، «قاعده نفی سلطه»، مجله معرفت، شماره یک‌صد و پانزدهم، ۱۳۸۶.
- عزیزان، مهدی، الزامات اقتصادی ویژه و شگرد تحقیقات اسلامی، چاپ سوم، تهران، انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۹۰.
- علیدوست، ابوالقاسم، «قاعده نفی سبیل»، نشریه مقالات و بررسی‌ها، شماره هفتاد و ششم، ۱۳۸۳.
- فرج پور، مجید، «فقر، فساد و تبعیض موانع توسعه ایران»، چاپ اول، تهران، خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۳.
- قاسمی، محمد؛ فقیهی، مهدی؛ عزیزاده، پریسا، «الزامات دستیابی به اقتصاد دانش‌بنیان در سطح کلان و تحلیل چارچوب قانونی در ایران

- و ارائه توصیه‌های سیاستی»، پژوهشنامه اقتصادی، شماره شصت و هشتم، ۱۳۹۷.
 - کامران، حسن؛ امیری فرد، زهرا، «قاعده نفی سیل و تطبیقات آن»، مجله فقه و اجتهاد، شماره سوم، ۱۳۹۴
 - معتمد، عزت‌الله؛ شهیدی نسب، مصطفی؛ اصغری، محمدرضا، «چالش‌ها و راهکارهای ایجاد امنیت اقتصادی در چهارچوب قرآن و اقتصاد متعارف»، پژوهش‌های دفاعی امنیتی اسلام، شماره چهارم، ۱۳۹۶.
 - مکارم شیرازی، ناصر، «تفسیر نمونه»، جلد اول و بیست و چهارم، چاپ دهم، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۱.
 - مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیرالمؤمنین (ع)، جلد پنجم، چاپ اول، تهران، انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۸۹.
 - موسوی خمینی، روح‌الله، صحیفه امام (مصاحبه‌ها؛ مقاله‌ها و خطابه‌ها و سخنرانی‌ها؛ فتاوی‌های شیعه؛ پیام‌ها و سخنرانی‌ها)، جلد دوازدهم، چاپ سوم، تهران، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۵۸.
 - مهریزی، مهدی، «روابط اقتصادی مسلمانان با کافران»، نشریه فقه و اصول فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی)، شماره هفتم و هشتم، ۱۳۷۵.
 - میر مغزی، سید حسین، نظام اقتصادی اسلام، چاپ دوم، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.
 - نیلی، مسعود، دولت و رشد اقتصادی در ایران، چاپ سوم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۹.
 - وفا، جعفر؛ زمانی محبوب، حبیب، تأملی بر عوامل پیشرفت و انحطاط مسلمانان، چاپ اول، قم، انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۸۹.
- منابع عربی**
- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، جلد بیست و یکم، انتشارات کتابخانه عمومی آیت اله المرعشی النجفی، چاپ اول، ۱۴۱۴
 - آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و درر الکلم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶
 - بجنوردی، سیدمحمد حسین، القواعد الفقهیه، جلد اول، قم، نشر الهادی، ۱۴۱۹.
 - بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، جلد هجدهم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۵
 - تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، «غررالحکم و درر الکلم»، قم، دار الکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰.
 - جوهری، اسماعیل ابن حماد، الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۰۷
 - حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة، جلد هفدهم، قم، انتشارات مؤسسه آل بیت علیهم السلام، ۱۴۰۹.
 - حلی، فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، جلد اول، قم - ایران، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۷.
 - حویزی، علی بن جمعه، نور الثقلین، جلد اول، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۲.

- سبزواری، محمد، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، جلد سوم، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶.
- طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد هفتم، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۸۰.
- طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیه، جلد دوم، تهران - ایران، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، ۱۳۸۷.
- فاضل لنکرانی، محمد، القواعد الفقهیة، جلد اول، قم، مرکز فقه ائمه اطهار، ۱۳۸۳.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد، «روضة الواعظین و بصیرة المتعظین (ط - القدیمة)»، جلد دوم، قم، انتشارات رضی، ۱۳۷۵.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، جلد هشتم، قم، نشر هجرت، ۱۴۰۹.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان، ۱۳۸۷.
- فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، جلد دوم، قم، مؤسسه دار الهجرة، ۱۴۱۴.
- لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، قم، دار الحديث، ۱۳۷۹.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، جلد اول، تهران، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۱۰.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، جلد شصت و سوم، تهران، انتشارات دارالحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، جلد هجدهم، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴.
- مصطفوی، محمدکاظم، القواعد الفقهیة، جلد اول، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۲۶.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله، تحریر الوسيله، جلد اول، تهران، مکتبه الاسلامیه / مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۳۴.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله، توضیح المسائل (محشی)، جلد دوم، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۴.

